

## The Role of Family Support in the Success of Female Entrepreneurs: Moderating Effect of Role Conflict

Mohammad Javad Naeiji \* 

Department of Business Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. [Email:m\\_naeiji@sbu.ac.ir](mailto:m_naeiji@sbu.ac.ir)

Mohaddeseh Amani 

Department of Business Management, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. [Email:mohad.amani@mail.sbu.ac.ir](mailto:mohad.amani@mail.sbu.ac.ir)

---

---

### Article Info

**Article type:**  
Research Article

**Article history :**  
Received 19 March 2025  
Received in revised form 13 June 2025  
Accepted 10 August 2025  
Published online 25 October 2025

**Keywords:**  
Entrepreneurial success, family support, role conflict, women's entrepreneurship

### ABSTRACT

**Objective:** Some researchers suggest that being in a supportive family environment helps female novice entrepreneurs establish a successful business. However, work-related challenges, along with the necessity of fulfilling traditional roles, create conflicts that can hinder their success. Therefore, this study examines the impact of family support on the success of female novice entrepreneurs, emphasizing the moderating role of role conflicts.

**Method:** This research is applied in terms of its objective and descriptive-correlational in terms of data collection. The statistical population consists of female entrepreneurs who have established at least one business with over one year of operational history. The primary data collection tool was a questionnaire designed based on a five-point Likert scale. Data were gathered from 140 female entrepreneurs in Tehran and analyzed using SPSS and LISREL software.

**Findings:** The research findings indicate that both financial and social family support have a significant positive effect on the success of female entrepreneurs. Furthermore, role conflict, as a moderating variable, weakens the relationship between family support and entrepreneurial success, such that as role conflict increases, the effect of family support diminishes.

**Conclusion:** These results suggest that female entrepreneurs face more challenges compared to their male counterparts, and family support can help mitigate these difficulties. Therefore, financial and social family support plays a crucial role in facilitating women's entrepreneurial journeys. This study highlights the importance of reducing role conflicts and increasing family support for the success of female entrepreneurs. The findings can assist policymakers and decision-makers in developing strategies to minimize role conflicts and enhance family support, thereby creating a more favorable environment for women's entrepreneurship.

---

---

**Cite this article:** Naeiji, MJ., Amani, & M (2025). The Role of Family Support in the Success of Female Entrepreneurs: Moderating Effect of Role Conflict. *Journal of Entrepreneurship and Innovation Research*, 4(3), 114-129.  
<https://doi.org/10.22034/eir.2025.513094.1171>



© The Author(s). Authors retain the copyright and full publishing rights without restrictions.

**Publisher:** Scientific Association of Entrepreneurship & Innovation in IRAN.

---

---

## نقش حمایت خانواده در موفقیت بانوان کارآفرین با تاکید بر تعدیل گری تعارض نقش

محمدجواد نائیجی \* id

نویسنده مسئول، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران. رایانامه: [m\\_naeiji@sbu.ac.ir](mailto:m_naeiji@sbu.ac.ir)

محدثه امانی id

گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران. رایانامه: [mohad.amani@mail.sbu.ac.ir](mailto:mohad.amani@mail.sbu.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۲۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳</p>	<p><b>هدف:</b> برخی پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند قرارگرفتن در خانواده‌های حمایت‌گر، به بانوان کارآفرین نوپا کمک می‌کند کسب‌وکار موفق‌تری شکل دهند. این درحالی است که چالش‌های کاری در کنار لزوم ایفای نقش‌های سنتی، تعارض‌هایی ایجاد می‌کند که می‌تواند مانع موفقیت بانوان کارآفرین شود. لذا این پژوهش به بررسی تأثیر حمایت خانواده بر موفقیت بانوان کارآفرین نوپا با تأکید بر نقش تعدیل‌گر تعارض‌های نقش می‌پردازد.</p> <p><b>روش:</b> پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، بانوان کارآفرینی هستند که حداقل یک کسب‌وکار یا سابقه بیش از یک سال راه‌اندازی کرده‌اند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه بوده است که بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت، طراحی شده است. داده‌ها از ۱۴۰ بانوی کارآفرین تهرانی گردآوری و با استفاده از نرم‌افزارهای اس‌پی‌اس‌اس و لیزرل تحلیل شد.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حمایت مالی و اجتماعی خانواده تأثیر مثبت و معناداری بر موفقیت بانوان کارآفرین دارد. همچنین، تعارض نقش به عنوان متغیر تعدیل‌گر، رابطه بین حمایت خانواده و موفقیت را تضعیف می‌کند؛ به‌گونه‌ای که با افزایش تعارض نقش، تأثیر حمایت خانواده کاهش می‌یابد.</p> <p><b>نتیجه‌گیری:</b> نتایج پژوهش بیانگر این است که بانوان کارآفرین در مقایسه با مردان با چالش‌های زیادی مواجه هستند و حمایت خانواده می‌تواند به کاهش این چالش‌ها کمک کند. از اعضای خانواده انتظار می‌رود در کنار حمایت مالی و اجتماعی، درک بیشتری از شرایط بانوان کارآفرین داشته باشند و انتظارات خود را تعدیل کنند. کمک به بانوان در انجام مسئولیت‌های چندگانه و کاهش فشارهای ناشی از تعهدات خانوادگی می‌تواند به آرامش بیشتر و تمرکز بهتر بر فعالیت‌های کارآفرینانه منجر شود. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان کمک کند راهکارهایی برای کاهش تعارض نقش و افزایش حمایت‌های خانوادگی در نظر بگیرند و محیطی مساعدتر برای کارآفرینی بانوان فراهم آورند.</p>
<p><b>کلیدواژه‌ها:</b> موفقیت کارآفرینانه، حمایت خانواده، تعارض نقش، کارآفرینی زنان.</p>	

**استناد:** نائیجی، محمدجواد، و امانی، محدثه (۱۴۰۴). نقش حمایت خانواده در موفقیت بانوان کارآفرین با تاکید بر تعدیل گری تعارض نقش، پژوهش های کارآفرینی و نوآوری. ۱۲۹-۱۱۴(۳)۴.

<https://doi.org/10.22034/eir.2025.513094.1171>

## ۱. مقدمه

کارآفرینی بانوان نقش عمده‌ای در افزایش اشتغال، کاهش فقر و بهبود شاخص‌های اقتصادی ایفا می‌کند و توجه فزاینده‌ای را در ادبیات کارآفرینی جلب کرده است. پژوهشگران معتقدند حضور بانوان در این عرصه نه تنها منجر به ایجاد تحولات عمیق اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شده است، بلکه بستری مناسب برای افزایش مشارکت اجتماعی و ارتقای جایگاه آنان در جامعه نیز فراهم آورده است (Love et al., 2024). شواهد آماری نیز از گسترش نقش بانوان کارآفرین حمایت می‌کند. بر اساس داده‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی<sup>۱</sup>، تقریباً از هر سه کارآفرین در کسب‌وکارهای تثبیت‌شده، یک نفر زن است. در فعالیتهای نوآفرینی، به ازای هر ۱۰ مرد، ۸ زن فعال هستند. همچنین در سطح جهانی، زنان بیشتر از مردان تمایل به کارآفرینی فردی دارند و تقریباً از هر ۶ زنی که دست به کارآفرینی تک‌نفره<sup>۲</sup> می‌زنند تنها ۴ مرد اقدام به این نوع کارآفرینی می‌کنند (GEM, Global Entrepreneurship Report, 2023).

در سال‌های اخیر، ایران نیز شاهد رشد قابل توجه تعداد بانوان تحصیل‌کرده و ورود آنان به عرصه کارآفرینی بوده است. بر اساس گزارش دیده‌بان جهانی کارآفرینی، ایران با ۵۲ درصد در کنار کشورهایی مانند اندونزی و رومانی، بالاترین نسبت کارآفرینان زن را در ارائه محصولات و خدمات نوآورانه داشته است. این پویایی در زنان جوان بیشتر بوده است و بیش از ۶۰ درصد بانوان کارآفرین ایرانی کمتر از ۳۵ سال سن داشته‌اند. توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در زمینه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات نمود بیشتری داشته است، به نحوی که زنان ایالات متحده آمریکا و ایران به ترتیب با ۷/۹ و ۷/۴ درصد، در این زمینه در جهان پیش‌تاز هستند. همچنین ایران یکی از پنج کشوری است که ترس از شکست زنان در کارآفرینی، از مردان کمتر است. با وجود این شواهد امیدوارکننده، بانوان کارآفرین ایرانی با چالش‌های جدی نیز مواجهند. برای نمونه، ایران از یکی از بالاترین نرخ‌های شکاف جنسیتی در راه‌اندازی کسب‌وکار رنج می‌برد و به‌ازای هر ۲ مرد، تنها یک زن قصد راه‌اندازی کسب‌وکار دارد. همچنین ایران در کنار مجارستان از پایین‌ترین نرخ شناسایی فرصت برای زنان برخوردار است و جزء معدود کشورهایی است که در بازه ۲۳ سال اخیر، این نرخ بهبود پیدا نکرده است (GEM, Women Entrepreneurship Report, 2024). نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد ضعف در شناسایی فرصت‌ها می‌تواند بر به‌کارگیری فرصت‌ها تأثیر منفی بگذارد (Jamali et al., 2018; Yadollahi Farsi, et al., 2019).

بخش زیادی از این چالش‌ها، ریشه در باورهای سنتی و ساختارهای اجتماعی دارد که انتظارات خاصی را از نقش‌های بانوان مطرح می‌کند. در این میان، یکی از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت کسب‌وکارهای کارآفرینانه بانوان، میزان حمایت خانواده است که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد و پایداری کسب‌وکارها اثر می‌گذارد (Rao & Singh, 2023). برخی پژوهش‌ها در بافت‌های فرهنگی نزدیک به ایران در سایر کشورهای خاورمیانه یا مسلمان نشان داده‌اند که حمایت خانواده می‌تواند یکی از عوامل کلیدی در تصمیم‌گیری بانوان برای ورود به عرصه کارآفرینی و موفقیت در این زمینه باشد (Welsh et al., 2021). در این کشورها، حمایت مالی خانواده از بانوان کارآفرین تحت تأثیر ثبات سیاسی و اجتماعی کشور قرار نمی‌گیرد و یک مسئولیت مهم اخلاقی محسوب می‌شود. به‌ویژه در کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، بانوان کسب‌وکارهای خود را با پس‌انداز شخصی خود یا خانواده‌شان راه‌اندازی می‌کنند. یکی از موانع اصلی پیش روی زنان در کارآفرینی، کمبود حمایت اخلاقی از سوی خانواده‌هایشان است. بیشتر مطالعات نشان داده‌اند که نبود حمایت خانوادگی تأثیر منفی بر رفتارهای کارآفرینانه زنان دارد (Tahir, 2025). این حمایت ممکن است به‌صورت حمایت عاطفی، مالی، یا حتی ارائه مشورت و راهنمایی‌های لازم برای مدیریت کسب‌وکار تجلی یابد. حمایت خانواده نه تنها باعث کاهش استرس و فشارهای ناشی از تعارض بین کار و خانواده می‌شود، بلکه انگیزه لازم را برای ادامه فعالیت‌های اقتصادی در اختیار بانوان قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، تعارض نقش‌های خانوادگی و کاری یکی از چالش‌های مهمی است که بانوان کارآفرین با آن مواجه‌اند. بانوانی که در مسیر کارآفرینی گام برمی‌دارند، علاوه بر مسئولیت‌های حرفه‌ای، وظایف متعددی در خانواده نیز بر عهده دارند. این مسأله می‌تواند فشارهای مضاعفی را بر آنان تحمیل کند و بر عملکرد کاری و تصمیمات آنان تأثیر بگذارد (Martinez & Johnson, 2023).

<sup>1</sup> Global Entrepreneurship Monitor

<sup>2</sup> Solopreneurship

نظریه نقش کان<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۶۴) بیان می‌کند که افراد براساس موقعیت‌ها و انتظارات نقش‌های اجتماعی رفتارهای متفاوتی را از خود نشان می‌دهند. این نظریه در مورد بانوان کارآفرین نیز صادق است، به‌گونه‌ای که انتظارات اجتماعی و خانوادگی گاه در تضاد با مسئولیت‌های حرفه‌ای آن‌ها قرار می‌گیرد. این تعارضات ممکن است منجر به کاهش بهره‌وری، فرسودگی روانی و حتی انصراف از مسیر کارآفرینی شود (Banu et al., 2025).

با توجه به اهمیت ساختار حمایت خانوادگی، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر حمایت خانواده بر موفقیت بانوان کارآفرین و همچنین نقش تعارض کار و خانواده در کسب‌وکارهای بانوان می‌پردازد. این تحقیق با بهره‌گیری از نظریه حمایت اجتماعی و نظریه نقش، به دنبال شناسایی راهکارهایی برای کاهش تعارضات نقش و افزایش میزان موفقیت کسب‌وکارهای کارآفرینانه بانوان است. بر این اساس، به دو سؤال اصلی پاسخ می‌دهد: نخست اینکه حمایت‌های مالی و اجتماعی خانواده چه تأثیری بر موفقیت بانوان کارآفرین دارد؟ دوم اینکه تعارضات نقش چگونه رابطه حمایت خانواده و موفقیت بانوان کارآفرین را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

## ۲. مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ۲-۱. حمایت خانوادگی و تأثیر آن بر موفقیت بانوان کارآفرینان

نظریه حمایت اجتماعی به بررسی تأثیر روابط اجتماعی و حمایت‌های بین‌فردی بر سلامت روانی و جسمی افراد می‌پردازد. این نظریه تأکید دارد که داشتن شبکه‌ای از حمایت‌های اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در کاهش استرس، ارتقای سلامت و افزایش کیفیت زندگی ایفا کند. حمایت خانواده به‌عنوان یکی از اشکال حمایت اجتماعی، نقش برجسته‌ای در تسهیل فعالیت‌های کارآفرینانه بانوان دارد. این حمایت می‌تواند به شکل‌های مختلف، از جمله حمایت مالی، حمایت عاطفی و حمایت اجتماعی ظاهر شود. حمایت مالی به تأمین سرمایه اولیه، دسترسی به وام‌ها و کاهش فشارهای اقتصادی اشاره دارد (Khan & Mahmood, 2022). حمایت عاطفی نیز شامل ایجاد انگیزه، ارائه مشاوره و کاهش استرس‌های ناشی از چالش‌های کارآفرینی است (Vu et al., 2025). منطق رابطه بین حمایت خانوادگی ادراک‌شده و نگرش‌های کارآفرینانه بر نقش مهم منابعی همچون دانش، سرمایه و مواد اولیه در تأسیس و توسعه یک کسب‌وکار استوار است (Lobo et al., 2023). به‌طور منطقی می‌توان انتظار داشت حمایت خانواده که به‌صورت حمایت اجتماعی و اقتصادی ارائه می‌شود، منبعی حیاتی برای پایداری کارآفرینی به‌شمار می‌رود. این حمایت به‌ویژه برای بانوان کارآفرین که معمولاً درگیر نقش‌های سنتی هستند و ممکن است از نظر اقتصادی و عاطفی به خانواده خود وابسته‌تر باشند، دارای اهمیت است (Kurniawan et al., 2025).

**تأثیر حمایت مالی بر موفقیت کارآفرینی زنان:** حمایت مالی خانواده به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت زنان کارآفرین شناخته شده است. مطالعات نشان می‌دهند زنان کارآفرین در مقایسه با مردان، دسترسی کمتری به منابع مالی دارند (Nguyen et al., 2020). در بسیاری از کشورها، سیستم بانکی و مالی بیشتر به نفع مردان طراحی شده و زنان برای دریافت وام‌های تجاری با موانع متعددی مواجه هستند. برخی از این موانع شامل نبود وثایق کافی، نرخ بهره بالا و تبعیض جنسیتی در تخصیص منابع مالی است (Brush et al., 2012). در چنین شرایطی، حمایت مالی خانواده، دوستان و شبکه‌های اجتماعی می‌تواند یک راه‌حل جایگزین باشد که زنان را قادر به راه‌اندازی و توسعه کسب‌وکار کند. نتایج پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که بسیاری از زنان برای شروع کسب‌وکار خود از منابع مالی اعضای خانواده استفاده می‌کنند (Edelman et al., 2016) و حمایت مالی همسر، والدین و حتی فرزندان می‌تواند نقش کلیدی در راه‌اندازی و پایداری کسب‌وکار زنان داشته باشد. در کشورهای درحال توسعه حدود ۶۵ درصد از زنان کارآفرین، حمایت مالی اولیه خود را از خانواده دریافت می‌کنند که شامل کمک‌های مالی مستقیم، وام‌های بدون بهره یا سرمایه‌گذاری‌های مشترک است (Goyal & Park, 2021). تحقیقات نشان داده است که زنانی که از منابع مالی کافی برخوردارند، قادرند کسب‌وکار خود را سریع‌تر گسترش دهند، تجهیزات بهتری خریداری کنند، نیروی کار بیشتری استخدام کنند و

<sup>1</sup> Kahn

تبلیغات گسترده تری انجام دهند (Smith & Johnson, 2022). به عنوان مثال، در کشورهای اروپایی زنانی که از حمایت مالی برخوردار بوده اند، به طور متوسط ۳۰ درصد رشد بیشتری در کسب و کار خود تجربه کرده اند (Edelman et al., 2016).

**تأثیر حمایت اجتماعی بر موفقیت کارآفرینی بانوان:** حمایت اجتماعی شامل شبکه های حمایتی از جمله خانواده، دوستان، همکاران و سازمان های اجتماعی است که به زنان در کاهش استرس های مرتبط با کارآفرینی کمک می کند (Desai et al., 2024). مطالعات متعدد نشان داده اند که حمایت اجتماعی بر موفقیت بانوان کارآفرین موثر است. به ویژه در جوامعی که هنوز باورهای سنتی درباره نقش زنان در کسب و کار وجود دارد، حمایت اجتماعی می تواند به ایجاد فرصت های بهتر برای کارآفرینی زنان کمک کند. زنان کارآفرین با حمایت اجتماعی قوی تر، تعارض نقش کمتری بین کار و خانواده تجربه می کنند و در نتیجه عملکرد بهتری در کسب و کار دارند (Welsh et al., 2021). سرمایه اجتماعی خانواده ممکن است حتی زمانی که خانواده به طور مستقیم در ابتکار کارآفرینانه دخیل نیست، تأثیر زیادی بر فرآیند ایجاد کسب و کار داشته باشد. وابستگی به خانواده ای که از احترام اجتماعی برخوردار است، اغلب به عنوان نشانه ای از ویژگی های مثبت فردی و جایگاه اجتماعی تلقی می شود (Edelman et al., 2016). حمایت اجتماعی به ویژه از طریق شبکه های حرفه ای و سازمان های حمایتی، به زنان کارآفرین امکان می دهد دانش و تجربیات خود را گسترش دهند و به منابع مالی و مشاوره های تخصصی دسترسی بهتری داشته باشند (Ahmed et al., 2025). در ایران حمایت اجتماعی از طریق گروه های محلی، سازمان های مردم نهاد و شبکه های اجتماعی آنلاین، به زنان کارآفرین امکان می دهد چالش های پیش روی خود را بهتر مدیریت کنند (حسینی و رضوی، ۱۴۰۰).

## ۲-۲. نقش تعدیل گری تعارض نقش در رابطه حمایت خانوادگی و موفقیت زنان کارآفرینان

نظریه نقش<sup>۱</sup> یکی از نظریه های مهم در علوم اجتماعی است که برای درک رفتار انسان ها در بستر اجتماعی به کار می رود. مفهوم نقش اجتماعی برای اولین بار در قرن نوزدهم در نوشته های جامعه شناسان کلاسیک همچون امیل دورکیم و کارل مارکس<sup>۲</sup> به صورت ضمنی مطرح شد؛ اما این نقش به عنوان یک چارچوب نظری مشخص، در قرن بیستم و توسط رالف لینتون و تالکوت پارسونز<sup>۳</sup> شکل گرفت. نظریه نقش بر این فرض استوار است که افراد در جامعه نقش های خاصی را بر عهده می گیرند و این نقش ها، انتظارات، هنجارها و رفتارهای خاصی را شکل می دهند. اگر افراد قادر به هماهنگی و ایجاد توازن میان این نقش ها نباشند تعارض نقش ایجاد می شود (Ebbers & Wijnberg, 2017). برای زنان کارآفرین، این تعارض ها اغلب بین نقش های خانوادگی (مانند مراقبت از کودکان و مدیریت خانه) و نقش های حرفه ای (مانند مدیریت کسب و کار) رخ می دهد.

تعارض های نقش می توانند به عنوان یک عامل تعدیل گر در رابطه بین حمایت خانواده و کارآفرینی زنان عمل کنند. به عبارت دیگر، حمایت خانواده در صورتی می تواند به موفقیت کارآفرینانه کمک کند که به تعارض نقش منجر نشود. تعارض نقش از دو مسیر روانشناختی و جامعه شناختی بر عملکرد کارآفرینانه تأثیر می گذارد. به طور کلی، تعارض نقش با گستره ای از پیامدهای منفی روانشناختی مانند فشار روانی، افسردگی، فرسودگی شغلی، اضطراب و کاهش سطح تاب آوری همراه است. تعارض نقش، به ویژه زمانی که به درستی مدیریت نشود، منبع قدرتمند و مداومی از فشار روانی است که بر سلامت روان تأثیر جدی می گذارد که با مداخلاتی مانند تقویت راهبردهای مقابله ای، آموزش مهارت های حل تعارض، بازتعریف نقش ها و ایجاد تعادل بین مسئولیت ها می تواند پیامدهای روانی را کاهش داد (Manchiraju et al., 2024; Fang et al., 2025). از سوی دیگر، تعارض نقش می تواند از طریق پیامدهای منفی سطح اجتماعی بر رابطه حمایت خانواده و کارآفرینی زنان تأثیر بگذارد. زمانی که تعارض نقش زیاد باشد، ممکن است زنان کارآفرین نتوانند روابط خود در شبکه اجتماعی را مدیریت کنند و سرمایه اجتماعی شان کاهش یابد که به صورت مستقیم بر عملکرد فردی تأثیر منفی می گذارد (Welsh et al., 2021).

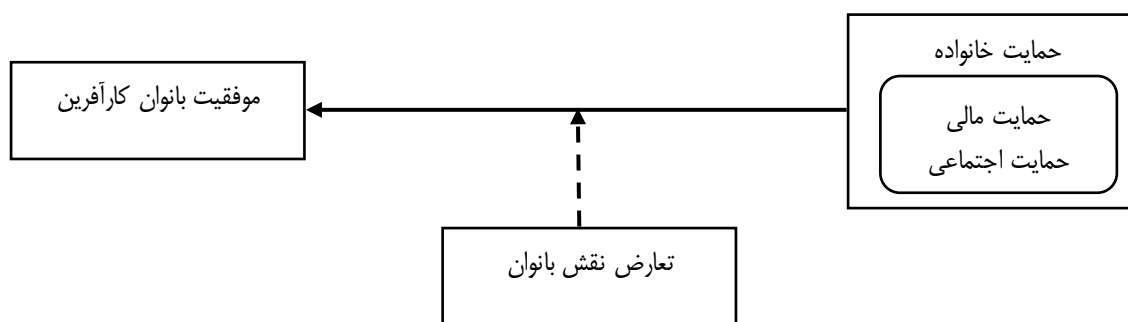
<sup>1</sup> Role Theory

<sup>2</sup> Émile Durkheim & Karl Marx

<sup>3</sup> Ralph Linton & Talcott Parsons

## ۳-۲. چهار چوب نظری و مدل مفهومی

خط اصلی پژوهش حاضر بررسی تاثیر هر دو نوع حمایت مالی و اجتماعی از موفقیت کارآفرینان زن است. با وجود اینکه بر اساس مبانی نظری ارائه شده بیشتر مطالعات هر دو حمایت را موثر می‌دانند، اما نتایج برخی مطالعات بر خلاف این جریان غالب است. مثلا حمایت مالی خانواده ممکن است همیشه یک عامل تعیین‌کننده در موفقیت کارآفرینی نباشد و عوامل دیگری مانند انگیزه شخصی، توانمندسازی و گرایش کارآفرینانه نقش مهم‌تری ایفا کنند (محمدکازمی و همکاران، ۱۴۰۰؛ بابک و همکاران، ۱۴۰۳). برخی پژوهش‌ها مانند مولا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۲۱) پا را فراتر گذاشته‌اند و بیان می‌کنند حمایت مالی خانواده ممکن است تأثیر منفی بر گسترش فعالیت‌های کارآفرینی زنان داشته باشد. زنان کارآفرینی که از حمایت مالی خانواده برخوردار بودند، کمتر تمایل دارند به دنبال منابع مالی متنوع مانند وام‌های بانکی یا سرمایه‌گذاری‌های بیرونی بروند. این وابستگی به منابع خانوادگی ممکن است باعث شود زنان کارآفرین از فرصت‌های رشد بیشتر و دسترسی به شبکه‌های گسترده‌تر محروم شوند. علاوه بر این، حمایت مالی خانواده ممکن است باعث ایجاد تعارض‌های نقش بیشتر شود، زیرا بانوان ممکن است با انتظارات خانوادگی بیشتر مواجه شوند (Salvato & Melin, 2023).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

پاسخی که به صورت ضمنی به این تناقض‌ها در نتایج مطالعات داده شده است این است که بر اساس نظریه حمایت اجتماعی، خانواده می‌تواند بر تعارض نقش زنان دو تاثیر کاملا متفاوت بگذارد. حمایت اجتماعی از یک سو وابستگی مالی و عاطفی بیشتری ایجاد می‌کند و سبب می‌شود کارآفرین در نقش‌های غیرکاری و غیرکارآفرینانه فرو برود (Liñán et al., 2022) که در نهایت به کاهش عملکرد کارآفرینانه و افزایش فشار روانی می‌انجامد (Kim et al., 2013; Dyer et al., 2014). از سوی دیگر، زمانی که یک زن نقش‌های اجتماعی متنوعی را در جامعه ایفا می‌کند، به طور طبیعی در معرض تعاملات اجتماعی بیشتری قرار می‌گیرد. این تعاملات، فرصت‌های دریافت حمایت اجتماعی را فراهم می‌کنند. برای مثال، زنی که نقش فعالی در گروه‌های اجتماعی مانند مادر در انجمن اولیا و مربیان یا داوطلب در خیریه دارد، بیشتر مورد حمایت اطرافیان قرار می‌گیرد، چون در شبکه‌های اجتماعی بیشتری حضور دارد. حضور در شبکه‌های اجتماعی متنوع، به افزایش سرمایه اجتماعی فردی زنان کارآفرین کمک می‌کند. جامعه به زنی که نقش اجتماعی فعالی ایفا می‌کند، به عنوان عضوی قابل اعتماد و مسئول می‌نگرد. این شناخت منجر به افزایش اعتماد متقابل و تسهیم اطلاعات و منابع که از ارکان سرمایه اجتماعی هستند منجر می‌شود. با توجه به این شواهد پژوهشی، بررسی نقش تعدیل‌گر تعارض نقش می‌تواند کمک شایانی به درک پویایی‌های حمایت‌های خانوادگی کارآفرینان زن کند.

با توجه به چارچوب مفهومی تحقیق، فرضیه‌ها و سوالات تحقیق به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه اول: حمایت مالی خانواده بر موفقیت کارآفرینان زن تاثیر مثبت دارد.

فرضیه دوم: حمایت اجتماعی خانواده بر موفقیت کارآفرینان زن تاثیر مثبت دارد.

فرضیه سوم: تعارض نقش، تاثیر حمایت مالی خانواده بر موفقیت کارآفرینان زن را تعدیل می‌کند.

<sup>1</sup> Mulu

فرضیه چهارم: تعارض نقش، تاثیر حمايت اجتماعي خانواده بر موفقيت کارآفرينان زن را تعديل می کند.

### ۳. روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده ها، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، جامعه آماری این پژوهش، بانوان کارآفرینی هستند که حداقل یک کسب و کار با سابقه بیش از یک سال راه اندازی کرده اند. این محدودیت، برای اطمینان از درگیر بودن نمونه ها در فرایندهای کارآفرینی در نظر گرفته شده است. انتخاب نمونه ها بر اساس روش نمونه گیری در دسترس<sup>۱</sup> و با استفاده از داده های مرکز کارآفرینی بانوان مانا و ارتباط مستقیم با بانوان کارآفرین در شبکه های اجتماعی بوده است. روش در دسترس برای نمونه گیری از یک جامعه بزرگ مناسب است و به جای روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده می شود. به دلیل عدم تصادفی بودن انتخاب نمونه، نتایج ممکن است نماینده واقعی جامعه نباشد و تعمیم دادن نتایج به کل جامعه با مشکل مواجه شود. همچنین، این روش ممکن است منجر به سوگیری در نمونه گیری شود، زیرا افرادی که برای محقق در دسترس تر هستند، ممکن است ویژگی های متفاوتی با بقیه افراد جامعه داشته باشند. برای تقویت تعمیم پذیری نتایج و کاهش سوگیری، دو الزام در انتخاب نمونه ها رعایت شده است. نخست اینکه برای اطمینان از قابلیت تعمیم نتایج باید بررسی شود شمای کلی ویژگی های جمعیت شناختی نمونه ها به جامعه آماری نزدیک است. دوم اینکه برای کاهش احتمال سوگیری، از روش های آماری معتبر برای تعیین حجم نمونه استفاده شود. در این راستا، با استناد به چارچوب ارائه شده توسط کرنز<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۹)، ابتدا مدل پژوهش به مدل های رگرسیونی ساده تری تفکیک شد و مدلی که بیشترین تعداد متغیرهای پیش بین و به تبع آن بالاترین حجم نمونه مورد نیاز را داشت، به عنوان مبنای محاسبه حجم نمونه در نظر گرفته شد. سپس با بهره گیری از نرم افزار SPSS Sample Power، حجم نمونه مورد نیاز تخمین زده شد. مطابق نتایج به دست آمده، برای سطح خطای ۰/۰۱، حجم نمونه ۱۳۷ نفر و برای سطح خطای ۰/۰۵، حجم نمونه ۱۰۱ نفر برآورد گردید. در مجموع، پرسشنامه های تحقیق برای ۱۸۴ کارآفرین زن در استان تهران ارسال شد که ۱۴۰ پرسشنامه بازگشت داده شد. از مجموع ۱۴۰ کارآفرین، ۷۹ نفر (۵۶/۴٪) در بازه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال قرار داشته اند و نزدیک به ۳۹ درصد از نمونه ها، بالای ۳۵ سال سن داشته اند. بیش از نیمی از نمونه ها کسب و کارهایی با کمتر از ۵ نفر کارمند و ۸۳ درصد کمتر از ۲۵ نفر کارمند بوده اند. کارآفرینان با مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد فراوانی نزدیک به هم داشته اند و در مجموع، ۷۵ درصد از کل کارآفرینان را تشکیل داده اند. در نهایت، ۵۲ درصد از کارآفرینان هم در محیط مجازی و هم حضوری فعالیت داشتند. این خصوصیات با ویژگی های جمعیت شناختی اعضای مرکز کارآفرینی بانوان مانا هماهنگی دارد. برای مثال، بیش از ۹۰ درصد کارآفرینان این مرکز کمتر از ۲۵ نفر کارمند داشته اند.

ابزار اصلی گردآوری داده های پژوهش، پرسشنامه است که بر اساس طیف پنج گزینه ای لیکرت، طراحی شده است. در جدول ۱، ابعاد متغیرها، تعداد گویه ها و منابع طراحی پرسشنامه آمده است. آلفای کرونباخ به عنوان شاخص پایایی برای کل پرسشنامه ی پژوهش، معادل ۰/۸۳۵ به دست آمده است که بیانگر پایایی بالای ابزار اندازه گیری است.

جدول ۱. ابعاد، تعداد گویه ها و منبع طراحی متغیرهای پژوهش

منبع	آلفای کرونباخ	تعداد گویه ها	ابعاد	متغیر
Edelman et al (2016)	۰/۷۹	۳	حمايت مالي	حمايت خانواده
	۰/۸۳	۶	حمايت اجتماعي	
Fisher et al (2014) & Wach et al (2016)	۰/۸۸	۶	دستاوردهای مالي شرکت	موفقيت کارآفرين
	۰/۷۵	۳	کيفيت روابط کاری	
	۰/۸۲	۴	تحقق اهداف شخصی	
	۰/۸۵	۳	تأثير اجتماعي	
Carlson et al (2000)	۰/۹۰	۹	تعارض کار با خانواده	تعارض نقش
	۰/۹۱	۹	تعارض خانواده با کار	

<sup>1</sup> Convenience Sampling

<sup>2</sup> Cairns

با توجه به اینکه هدف این پژوهش بررسی تأثیر متغیرها بر یکدیگر است، از روش معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. بر این اساس، اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای مستقل و میانجی بر گرایش کارآفرینانه مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای انجام آزمون‌های آماری، از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL بهره گرفته شده است.

#### ۴. یافته‌ها

جهت برازش مدل مفهومی پژوهش، از مدل‌بایی معادلات ساختاری با به کارگیری روش حداکثر درست‌نمایی<sup>۱</sup> در نرم‌افزار لیزرل استفاده شد. در تعریف متغیرها برای اجرای مدل ساختاری، سوالات پرسشنامه به‌عنوان اجزای سازنده متغیر با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صورتی که عدد معناداری بار عاملی هر سوال، در بازه  $-۱/۹۶$  تا  $۱/۹۶$  قرار نداشته باشد، قابلیت آن سوال در سنجش متغیر مربوطه تأیید می‌شود. شکل ۳، اعداد معناداری سوالات را نشان می‌دهد که نتایج بیانگر این است که بار عاملی تمامی سوالات در بازه قابل قبول بوده است و هیچ سوالی رد نمی‌شود.

به منظور برازش مدل مفهومی پژوهش از شاخص‌های برازندگی مدل معادلات ساختاری استفاده به عمل آمد که شاخص‌های برآوردی در جدول ۲ آمده است. نتایج مدل اندازه‌گیری بیانگر این است که  $\chi^2/df$  به میزان  $۲/۵۴۷$  کمتر از ۳ می‌باشد که نشان می‌دهد داده‌ها تناسب خوبی با مدل دارد. سایر نتایج نیز تناسب مدل را تأیید می‌کند. شاخص‌های  $GFI^2$  و  $AGFI^3$  به ترتیب معادل  $۰/۹۷$  و  $۰/۹۲$  به دست آمده است که تناسب بسیار خوبی را نشان می‌دهد. مقادیر  $IFI^4$ ،  $NFI^5$ ،  $CFI^7$  و  $RFI^8$  باید بالاتر از  $۰/۹۰$  باشد که نتایج تمامی این شاخص‌ها بیانگر قابل قبول بودن تناسب مدل است. RMSEA معادل  $۰/۰۹۸$  بوده است که از مقدار معیار  $۰/۱$  کوچکتر می‌باشد. در بیشتر منابع، حداقل قبول RMSEA عدد  $۰/۰۸$  دانسته شده است، اما اگر سایر شاخص‌ها قابل قبول باشد، مقادیر کمتر از  $۰/۱$ ، متوسط می‌باشد و سبب رد مدل نمی‌شود (Fabrigar et al., 1999; Kim et al., 2016).

جدول ۲. شاخص‌های کلی برازش برای مدل مفهومی

شاخص برازندگی	معادل	سطح برازش قابل قبول	مقدار محاسبه شده
P-value	سطح معنی‌داری	$P < ۰/۰۵$	$۰/۰۰$
$\chi^2 / df$	نسبت مجذور کا مربع به درجه آزادی	$\chi^2 / df \leq ۳$	$۲/۳۲۵$
RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	$RMSEA \leq ۰/۱$	$۰/۰۹۸$
GFI	شاخص نیکویی برازش	$۰/۹۰ \leq GFI \leq ۱$	$۰/۹۷$
AGFI	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	$۰/۹۰ \leq AGFI \leq ۱$	$۰/۹۲$
IFI	شاخص برازندگی فزاینده	$۰/۹۰ \leq IFI \leq ۱$	$۰/۹۵$
NFI	شاخص برازش هنجار شده	$۰/۹۰ \leq NFI \leq ۱$	$۰/۹۲$
NNFI	شاخص برازش هنجار نشده	$۰/۹۰ \leq NNFI \leq ۱$	$۰/۹۵$
CFI	شاخص برازش مقایسه‌ای	$۰/۹۰ \leq CFI \leq ۱$	$۰/۹۵$
RFI	شاخص برازش نسبی	$۰/۹۰ \leq RFI \leq ۱$	$۰/۹۲$

شکل ۲ مدل ساختاری تحقیق را در حالت تخمین استاندارد و شکل ۳ مدل ساختاری را در حالت معناداری نمایش می‌دهد. همان‌طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، مقدار  $t$  مسیرهای تعیین شده در بازه  $-۱/۹۶$  تا  $۱/۹۶$  قرار ندارد که بیانگر تأیید تأثیر هر دو بعد مالی و اجتماعی حمایت خانوادگی بر موفقیت بانوان کارآفرین است.

<sup>1</sup> Maximum Likelihood Estimation Method

<sup>2</sup> Goodness-of-fit

<sup>3</sup> Adjusted Goodness-of-fit

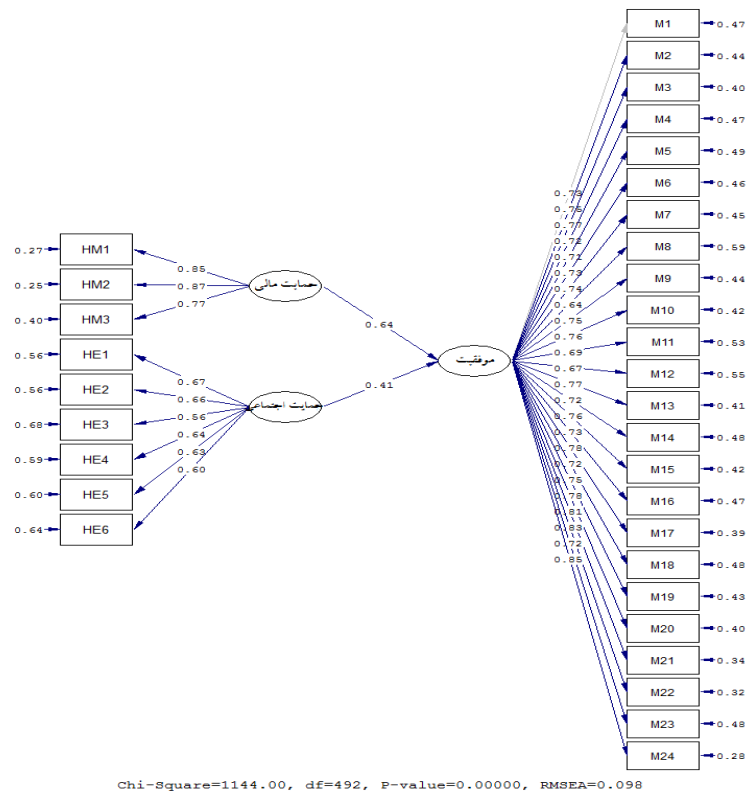
<sup>4</sup> Incremental fit index

<sup>5</sup> Normal fit index

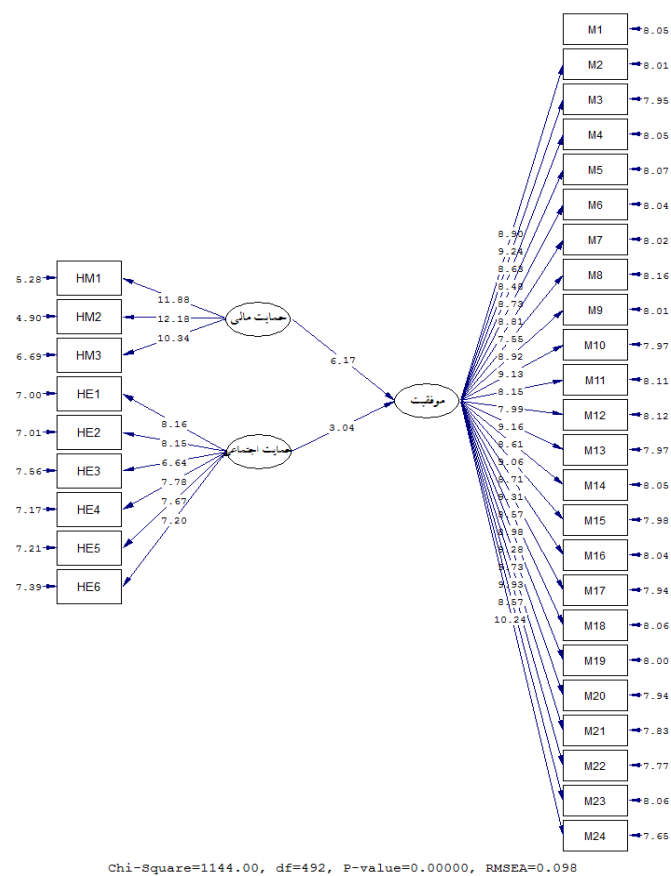
<sup>6</sup> Non-normal fit index

<sup>7</sup> Comparative fit index

<sup>8</sup> Relative fit index



شکل ۲. مدل ساختاری در حالت تخمین استاندارد



شکل ۳. مدل ساختاری در حالت معناداری

جهت بررسی نقش تعدیل‌گری متغیر تعارض نقش در رابطه بین حمایت خانواده و موفقیت بانوان کارآفرین نوپا از رگرسیون هایس در نرم‌افزار اسپس‌اس‌اس استفاده شد که خروجی این آزمون در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. رگرسیون هایس برای نقش تعدیل‌گر متغیر تعارض نقش

شاخص‌ها	معادل لاتین	مقدار محاسبه شده
تغییرات ضریب تعیین	R <sup>2</sup> -chng	۰/۰۳۱
آماره F	F	۷/۱۲۴
درجه آزادی ۱	df1	۱
درجه آزادی ۲	df2	۱۳۶
سطح معنی‌داری	P	۰/۰۰۹

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، میزان ضریب تشخیص R<sup>2</sup>-Change معادل ۰/۰۳۱ می‌باشد. همچنین، سطح معنی‌داری ۰/۰۰۹ است که از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد. از اینرو، نقش تعدیل‌گر متغیر تعارض نقش در رابطه بین حمایت خانواده و موفقیت بانوان کارآفرین نوپا پذیرفته می‌شود. برای سنجش معناداری نقش متغیرهای میانجی در مدل مفهومی پژوهش، از روش بوت‌استرپ با استفاده از نرم‌افزار IBM SPSS26 و ماژول PROCESS v3.5 استفاده شده است. در این روش، فاصله اطمینان<sup>۱</sup> برای بررسی معناداری اثر متغیر تعدیل‌گر تعارض نقش محاسبه شده است. نتایج این تحلیل در جدول ۴ ارائه شده‌اند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، مسیر متغیر تعدیل‌گر در محدوده فاصله اطمینان محاسبه‌شده عدد صفر را دربرنگرفته است. این موضوع نشان می‌دهد که نقش متغیر تعدیل‌گر تعارض نقش در مدل پژوهش معنادار است و مورد تأیید قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه علامت ضریب تاثیر منفی شده است می‌توان گفت که متغیر تعارض نقش در رابطه بین حمایت خانواده و موفقیت بانوان کارآفرین نوپا نقش کاهشی دارد. بنابراین، هرچه تعارض نقش بالاتر باشد، رابطه بین حمایت خانواده و موفقیت بانوان کارآفرین نوپا ضعیف‌تر است.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون متغیر تعدیل‌گر

مسیر روابط	ضریب تاثیر	خطای استاندارد	فاصله اطمینان		سطح معنی‌داری
			پایین	بالا	
مقدار ثابت	۳/۵۱۹	۰/۰۳۸	۳/۲۱۱	۳/۸۳۴	۰/۰۰۰
حمایت خانواده	۰/۵۰۷	۰/۰۳۴	۰/۴۸۹	۰/۵۶۶	۰/۰۰۰
تعارض نقش	-۰/۱۹۳	۰/۰۴۵	-۰/۲۳۲	-۰/۱۴۶	۰/۰۱۷
حمایت خانواده * تعارض نقش	-۰/۲۵۵	۰/۰۴۸	-۰/۲۹۱	-۰/۱۹۸	۰/۰۰۹

## ۵. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات:

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حمایت مالی و اجتماعی خانواده نقش بسزایی در تبیین موفقیت کارآفرینانه بانوان ایفا می‌کند. در ادبیات کارآفرینی زنان، در مورد تاثیر مثبت حمایت عاطفی اجماع بیشتری وجود دارد و در مورد حمایت مالی، نتایج پژوهش‌ها بسیار متناقض است. برخی پژوهش‌ها مانند ادلمن و همکاران (۲۰۱۶) و سیگز و مینولا<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) به تاثیرات منفی حمایت مالی اشاره کرده‌اند، زیرا دسترسی به منابع راحت، تلاش کارآفرین برای دستیابی به سایر منابع مالی را کاهش می‌دهد و چون کارآفرین فشار زیادی برای بازپرداخت کمک‌ها احساس نمی‌کند تلاش کمتری برای موفقیت خواهد داشت. این در حالی است که ضریب تاثیر حمایت مالی در پژوهش حاضر از حمایت عاطفی نیز بیشتر بوده است. همانگونه که عنابستانی و همکاران (۲۰۲۴) تاکید

1 Confidence Interval

2 Sieger & Minola

می‌کنند بانوان کارآفرین در ایران ترجیح می‌دهند بخش عمده حمایت‌های عاطفی و به‌ویژه مالی خود را از شبکه‌های خانوادگی دریافت کنند. بانوان به‌طور تاریخی در مقایسه با مردان با کمبود منابع مالی مواجه بوده‌اند که این امر، منجر به عدم توازن در بازارهای کاری و مالی شده است. از اینرو بانوان کارآفرین به منابع مالی خانوادگی که در دسترس تر هستند رو می‌آورند (Mckinno & Castino, 2017). در سایر کشورهای مسلمان نیز نتایج نسبتاً مشابهی به‌ویژه در مورد حمایت مالی گزارش شده است. برای مثال، مطالعه السدی<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۱) بیانگر این است که یک‌چهارم زنان عمانی برای انجام مطالعات امکان‌سنجی، برنامه‌ریزی اولیه و تأمین مالی پروژه‌های خود به خانواده‌هایشان اتکا دارند. دلیل اساسی این حمایت را می‌توان در چارچوب ارزش‌های فرهنگی هافستد در کشورهای غرب آسیا دانست. در این کشورها تصور رایج این است که کارآفرینی بیشتر ماهیتی مردانه دارد و زنانی که تمایل به کارآفرینی دارند باید تحت حمایت نزدیکان و خانواده قرار گیرند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که حمایت اجتماعی خانواده تأثیر مثبت و معناداری بر موفقیت کسب‌وکار بانوان کارآفرین نوپا دارد. به‌عبارت دیگر، هرچه حمایت اجتماعی و عاطفی خانواده بیشتر باشد، بانوان کارآفرین در کسب‌وکار خود موفق‌تر عمل می‌کنند. این یافته با نتایج ادلمن و منولوا (۲۰۱۶) و پراباوانتی و روزلی (۲۰۲۲) هم‌سو است که روابط نزدیک درون خانوادگی را منبع هم‌نیروزایی کارآفرینی می‌دانند؛ به‌نحوی که این روابط منجر به انتقال ارتباطات اجتماعی ارزشمند یا دسترسی به شبکه‌های اجتماعی از طریق خانواده به فرزندان می‌شوند. همچنین این یافته، بازتعریفی از استدلال نظریه انسداد<sup>۲</sup> ارائه می‌کند مبنی بر اینکه، کارآفرینان از منابعی بهره‌مند می‌شوند که از موقعیت اجتماعی والدین خود به‌دست آورده‌اند. در مقابل این همسویی، تأثیر حمایت اجتماعی خانواده بر موفقیت کارآفرینان زن، با بخش اصلی ادبیات شبکه‌های اجتماعی که روابط ضعیف و بازاری را برای کارآفرینی سودمندتر از روابط خانوادگی و دوستانه می‌دانند (Karra et al., 2006) در تناقض است. اعضای خانواده بر اساس روابط عاطفی و اعتمادی که به یکدیگر دارند، منابع را راحت‌تر در اختیار عضو کارآفرین خانواده قرار می‌دهند و در طول مسیر کارآفرینی، پشتیبانی عاطفی قوی‌تری ارائه می‌کنند. این محیط حمایتی به بانوان کارآفرین اجازه می‌دهد با اطمینان بیشتری کسب‌وکار خود را آغاز کنند و به موفقیت برسند.

با توجه به تأیید نقش تعدیل‌گر تعارض نقش در رابطه حمایت خانواده و موفقیت کارآفرینانه، می‌توان نتیجه گرفت که کاهش تعارض نقش، نه‌تنها یک هدف مستقل برای بهبود کیفیت زندگی زنان کارآفرین است، بلکه نقشی کلیدی در فعال‌سازی و مؤثر ساختن حمایت‌های خانواده نیز ایفا می‌کند. در واقع، تعارض نقش مانند یک "فیلتر روانی" عمل می‌کند که شدت و کیفیت تأثیر حمایت خانوادگی را تعیین می‌کند. بانوان به‌طور معمول، معتقد به تضاد میان ارزش‌های کاری و خانوادگی هستند. ادغام مسئولیت‌های کسب‌وکار و خانواده، چالش‌هایی را در انجام وظایف متعدد و حفظ ارتباطات خانوادگی ایجاد می‌کند. بر اساس فرهنگ ایرانی، وظایفی مانند خانه‌داری، تربیت فرزندان و تأمین منافع همسر از مسئولیت‌های جدایی‌ناپذیر زنان محسوب می‌شود. از سوی دیگر، وابستگی فرزندان، به‌ویژه فرزندان کوچک به مادران، عاملی مهم در عدم‌ورود زنان به عرصه کارآفرینی و شکست آن‌ها در کسب‌وکار است. در کشورهایی با ساختار فرهنگی، مذهبی و اجتماعی نزدیک به ایران نیز نتایج مشابهی حاصل شده است. در پژوهشی مبتنی بر مصاحبه حضوری با ۳۴۸ زن کارآفرین در ترکیه، بیشتر مصاحبه‌شوندگان تعارض نقش اندکی گزارش کرده‌اند؛ با این حال، پژوهشگران به‌درستی نتیجه گرفتند که این لزوماً معنای مثبتی ندارد، زیرا زنانی که نمی‌توانند بین شغل و خانواده تعادل برقرار کنند و تعارض بالایی را تجربه می‌کنند اساساً نمی‌توانند به کارآفرینی فکر کنند و در چنین مطالعاتی که بر کارآفرینان زن تمرکز دارند نادیده انگاشته می‌شوند (Bozoğlu Batı & Armutlulu, 2020). چنین نتایجی در امارات نیز گزارش شده است و برخی افراد مورد مطالعه اعتقاد داشته‌اند که بسیاری از زنان به علت ناتوانی در ایجاد تعادل بین زندگی و کارآفرینی از ادامه مسیر کسب‌وکار منصرف شده‌اند. راهکار پیشنهادی این مطالعه ترویج داستان زنان موفق در تعادل‌بخشی بوده است تا الهام‌بخش سایر زنان برای ورود به عرصه کارآفرینی باشند (Tahir, 2025). علاوه بر این، مداخلات خانواده در حوزه کاری می‌تواند احساس عدم کنترل بر جریان‌های زندگی را در بانوان ایجاد کند. در واقع، بانوان ممکن است احساس کنند که توانایی کنترل نتایج مرتبط با

<sup>1</sup> Al-Sadi

<sup>2</sup> closure

زندگی خود را از دست داده‌اند و این عدم تعادل بین کار و خانواده به سایر حوزه‌های زندگی شخصی آن‌ها نیز سرایت می‌کند. در یافته مشابهی، ولش و همکاران (۲۰۲۱) شرط تأثیر مثبت حمایت خانواده را توانایی مدیریت تعارض نقش دانسته‌اند. زمانی که کارآفرینان زن منابع مالی و عملیاتی مورد نیاز خود را از طریق خانواده تأمین می‌کنند، ممکن است احساس مسئولیت بیشتری نسبت به خانواده داشته باشند؛ امری که فشار مضاعفی بر نقش‌های شغلی و خانوادگی آن‌ها وارد می‌کند و به درک بالاتری از تعارض نقش‌ها منجر می‌شود.

در این پژوهش، تأثیر حمایت خانواده بر موفقیت بانوان کارآفرین نوپا با تأکید بر نقش تعدیل‌گری تعارض‌های نقش مورد بررسی قرار گرفت. ارزش کلیدی مطالعه حاضر، تأکید بر اهمیت نقش خانواده به‌ویژه در فرهنگ کشورهای اسلامی و غرب آسیا است. در جهانی که تعارض نقش روزبه‌روز پررنگ‌تر می‌شود، وجود خانواده‌ای همدل و پشتیبان می‌تواند راهگشای مسیر رشد و بالندگی زنان باشد. تعدیل فشار نقش‌های متداخل، تنها با توزیع مسئولیت، تغییر نگرش و حمایت هدفمند از سوی اعضای خانواده محقق خواهد شد و اگر جامعه به‌دنبال بهره‌گیری از ظرفیت‌های زنان در عرصه اقتصاد است، باید زیرساخت‌های خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی را برای این تحول آماده سازد.

تأکید نتایج پژوهش بر حمایت مالی، بیانگر اهمیت دسترسی به منابع مالی راحت‌تر برای بانوان کارآفرین است. اگرچه تأمین منابع مالی از طریق بانک‌ها روش متداولی در کارآفرینی است، اما بانوان به‌دلیل دشواری‌های دریافت وام از بانک‌ها ترجیح می‌دهند از پس‌اندازهای شخصی یا قرض از اعضای خانواده استفاده کنند. حمایت مالی خانواده در مقایسه با سایر منابع مالی، انعطاف‌پذیرتر و کم‌هزینه‌تر است، زیرا نیاز به ضمانت یا مدارک پیچیده ندارد و بازپرداخت آن می‌تواند به‌تدریج و پس از موفقیت کسب‌وکار انجام شود. حمایت مالی خانواده می‌تواند هزینه‌های مربوط به آموزش‌ها و دوره‌های مهارت‌افزایی را پوشش دهد و به بانوان کارآفرین کمک کند فرآیند کارآفرینی را با سرعت بیشتری آغاز کنند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که متغیر تعدیل‌گر تعارض نقش، رابطه بین حمایت خانواده و موفقیت بانوان کارآفرین نوپا را به‌صورت منفی تعدیل می‌کند. به عبارت دیگر، هرچه سطح تعارض نقش بالاتر باشد، تأثیر حمایت خانواده بر موفقیت بانوان کارآفرین کاهش می‌یابد. این یافته بیانگر این است که در تعارض نقش پایین، حمایت خانوادگی می‌تواند تأثیر مثبت و معناداری بر موفقیت زنان کارآفرین داشته باشد. این موفقیت می‌تواند هم شامل جنبه‌های عینی مانند رشد کسب‌وکار، سودآوری و هم جنبه‌های ذهنی مانند رضایت از زندگی، تعادل روانی باشد. اما در شرایطی که زن کارآفرین دچار تعارض شدید بین نقش‌های مختلف مادری، همسری، مدیریتی باشد، اثر حمایتی خانواده تضعیف می‌شود. به بیان دیگر، حتی اگر حمایت خانواده وجود داشته باشد، فشار روانی ناشی از ناتوانی در انجام کامل وظایف و تعارض‌های مستمر باعث می‌شود زن نتواند از این حمایت به‌خوبی بهره‌برداری کند. در چنین شرایطی، انرژی روانی، انگیزه درونی و تمرکز او تحلیل می‌رود و کارایی حمایت دریافتی کاهش می‌یابد.

بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهادهای کاربردی و نظری به شرح زیر ارائه می‌گردد:

با توجه به تأیید تأثیر مثبت حمایت مالی خانواده بر موفقیت بانوان کارآفرین نوپا، پیشنهاد می‌شود اعضای خانواده، به‌ویژه همسران، در مراحل اولیه و میانی راه‌اندازی کسب‌وکار، از بانوان کارآفرین حمایت مالی کنند. این حمایت می‌تواند به‌صورت تأمین سرمایه استقراری یا مشارکتی باشد تا بانوان بتوانند با آرامش خاطر بیشتری به فعالیت‌های کارآفرینانه خود بپردازند و احتمال موفقیت آن‌ها افزایش یابد. در واقع، خانواده با تزریق سرمایه به کسب‌وکار بانوان، دغدغه‌های مالی آن‌ها را کاهش می‌دهد و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا به جای مواجهه با مشکلات تأمین مالی، بر سایر چالش‌های کسب‌وکار خود تمرکز کنند. این حمایت مالی خانواده می‌تواند جایگزین مناسبی برای وام‌های بانکی با بهره‌های بالا یا محدودیت‌های حجم وام باشد. تشکیل صندوق‌های مالی مشارکتی درون خانواده یا شبکه فAMILI برای تأمین سرمایه اولیه زنان می‌تواند یک راهکار مهم تأمین مالی باشد. این صندوق‌ها بر پایه‌ی تجمیع منابع مالی درون خانواده (یا بستگان نزدیک) برای سرمایه‌گذاری روی کسب‌وکارهای ارزش‌آفرین است که نوعی سرمایه‌گذاری خرد<sup>۱</sup> درون‌زا و غیررسمی بر اساس ظرفیت‌های اعتماد، نزدیکی و تعلق خانوادگی است. در ایران هزاران نمونه از صندوق‌های خانوادگی قرض‌الحسنه وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به‌صورت هدفمند به‌سوی کارآفرینی زنان هدایت کرد.

<sup>۱</sup> microfinance

با این حال، اندازه و نحوه تأمین این سرمایه مالی نیز بسیار مهم است. سرمایه‌ای که توسط خانواده تأمین می‌شود باید به گونه‌ای باشد که دغدغه‌های مالی بانوان را به طور کامل برطرف کند. همچنین، این سرمایه باید به صورت برنامه‌ریزی شده و در طول زمان به کسب‌وکار تزریق شود تا اثربخشی لازم را داشته باشد. البته، باید توجه داشت که این سطح از حمایت مالی برای تمامی خانواده‌ها امکان‌پذیر نیست، زیرا بسیاری از خانواده‌ها ممکن است توانایی مالی لازم برای تأمین چنین سرمایه‌ای را نداشته باشند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود دولت و سازمان‌های مرتبط نیز با ارائه تسهیلات مالی کم‌بهره یا برنامه‌های حمایتی ویژه، به خانواده‌ها در این زمینه کمک کنند تا بانوان کارآفرین بتوانند از این حمایت‌ها بهره‌مند شوند. مشوق‌های مالیاتی مستقیم، معافیت بخشی از درآمد خانواده‌ای که مستقیماً به کسب‌وکار زنان اختصاص داده شده است، امکان کسر هزینه‌های حمایتی مثل سرمایه‌گذاری اولیه، خرید تجهیزات یا اجاره محل کار از مالیات سالانه، دسترسی به تسهیلات بانکی با بهره پایین، اعطای ضمانت‌نامه دولتی برای تسهیلات بانکی، و امتیازات رفاهی یا اجتماعی برای خانواده‌هایی که از زنان کارآفرین حمایت می‌کنند می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

با توجه به تأیید تأثیر مثبت حمایت اجتماعی خانواده بر موفقیت بانوان کارآفرین نوپا، پیشنهاد می‌شود اعضای خانواده از نظر اجتماعی و عاطفی از بانوان کارآفرین حمایت کنند. این حمایت به ویژه در مراحل اولیه راه‌اندازی کسب‌وکار بسیار حیاتی است، زیرا بانوان کارآفرین به دلیل تجربه کم و ارتباطات محدود، معمولاً در ابتدای کار نیازمند حمایت بیشتری هستند و ممکن است در صورت عدم دریافت این حمایت، از ادامه فعالیت کارآفرینانه منصرف شوند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود خانواده‌ها با معرفی بانوان کارآفرین به شبکه‌های اجتماعی و حرفه‌ای، مشارکت در معرفی کسب‌وکار به شرکای تجاری بالقوه و ارائه مشاوره‌های لازم، نقش فعال‌تری در حمایت از زنان کارآفرین ایفا کنند. دوره‌هایی ویژه همسران و والدین زنان کارآفرین با هدف آموزش اهمیت حمایت روانی، نقش خانواده در کاهش استرس و افزایش انگیزه زنان کارآفرین طراحی و اجرا شود. تشویق به تقسیم مسئولیت‌های خانگی و ترویج فرهنگ تقسیم عادلانه وظایف خانه بین اعضای خانواده به ویژه همسران راهکار پیشنهادی دیگری است تا بانوی کارآفرین فرصت و انرژی بیشتری برای تمرکز بر کسب‌وکار خود داشته باشد.

با توجه به تأیید نقش کاهشی تعارض نقش در رابطه بین حمایت خانواده و موفقیت بانوان کارآفرین نوپا، پیشنهاد می‌شود اعضای خانواده درک بیشتری از شرایط آن‌ها داشته باشند و انتظارات خود را تعدیل کنند. کمک به بانوان در انجام مسئولیت‌های خانه و کاهش فشارهای ناشی از تعهدات خانوادگی می‌تواند به آن‌ها اجازه دهد تا با آرامش بیشتری بر روی فعالیت‌های کارآفرینانه خود تمرکز کنند. همچنین، پیشنهاد می‌شود اعضای خانواده از انتقاد یا منت گذاشتن به دلیل کاستی‌هایی که ممکن است در انجام مسئولیت‌های خانوادگی یا کاری پیش بیاید، خودداری کنند. این رویکرد حمایتی می‌تواند به کاهش استرس و افزایش تمرکز بانوان بر موفقیت کسب‌وکارشان کمک کند. این پژوهش پیشنهاد می‌کند که برنامه‌هایی با هدف توانمندسازی بانوان از طریق توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی طراحی شوند. ایجاد و تقویت مهارت‌های مدیریت زمان و استفاده مؤثر از تکنولوژی برای افزایش بهره‌وری مانند استفاده از اپلیکیشن‌های برنامه‌ریزی، آموزش و آگاه‌سازی خانواده‌ها به ویژه همسران درباره تعارض نقش و تأثیرات آن بر سلامت روان زنان، ایجاد گروه‌های همیار زنان کارآفرین در سطح محلی برای تبادل تجربه، حمایت عاطفی و اشتراک منابع، برگزاری جلسات برخط ماهانه یا حضوری برای زنان با وضعیت مشابه و راه‌اندازی کمپین‌های رسانه‌ای با تأکید بر اینکه موفقیت یک زن در کسب‌وکار منافاتی با نقش مادری یا همسری ندارد، از اقداماتی است که می‌توان برای کاهش اثرات تعارض مورد توجه قرار داد.

پژوهش حاضر دارای چند محدودیت است که می‌تواند در پژوهش‌های بعدی مدنظر قرار گیرد. نخست اینکه با وجود تلاش برای رفع کاستی‌های نمونه‌گیری دردسترس و انطباق ویژگی‌های نمونه‌ها با شمای کلی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بانوان کارآفرین، در پژوهش‌های بعدی می‌توان بر نمونه‌های بزرگ‌تر و انتخاب‌های تصادفی‌تر تمرکز کرد. دوم اینکه این پژوهش بین انواع خانواده‌ها تفاوت قائل نشده است. تحقیقات آینده می‌توانند بر انواع مختلف خانواده‌ها مانند خانواده‌های بدون فرزند، خانواده‌های طلاق، خانواده‌های گسترده و خانواده‌های بین‌نسلی و پیامدهای احتمالی متفاوت هر یک از آن‌ها بر حمایت از بانوان کارآفرین تمرکز کنند.

سوم اینکه انواع دیگری از حمایت‌های خانواده مانند حمایت احساسی<sup>۱</sup>، حمایت ابزاری<sup>۲</sup> و حمایت اخلاقی<sup>۳</sup> وجود دارد که می‌توانند برای بررسی عمیق‌تر و گسترده‌تر تاثیر حمایت خانواده بر موفقیت بانوان کارآفرین مدنظر قرار گیرند. هرچند بیشتر این حمایت‌ها همپوشانی‌هایی با حمایت اجتماعی در پژوهش حاضر دارند، ولی بررسی آنها می‌تواند به غنای این مسیر پژوهشی کمک کند.

## ۶. منابع

- بابک، محمدرضا، احمدپورداریانی، محمود، محمدکاظمی، رضا و عبدلی، طیبه. (۱۴۰۳). تاثیر گرایش کارآفرینی و تاب‌آوری زنجیره تامین بر توسعه‌ی کسب‌وکارهای بین‌المللی. نقش میانجی ظرفیت جذب و تعدیل‌گری نوآوری سازمانی در شرکت دیجی کالا. *پژوهش‌های کارآفرینی و نوآوری*، ۳(۲)، ۱-۲۱.
- حسینی، س.، و رضوی، س. (۱۴۰۰). نقش حمایت اجتماعی در توسعه کارآفرینی زنان در ایران: مطالعه موردی سازمان‌های مردم‌نهاد و شبکه‌های اجتماعی. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۵(۲)، ۱۴۵-۱۳۳.
- محمدکاظمی، رضا، طالبی، کامبیز، داوری، علی، دهقان نجم‌آبادی، عامر. (۱۴۰۰). طراحی مدل توانمندسازی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط دانش‌بنیان با رویکرد دیتمل. *فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران*، ۱۶(۱)، ۱-۱۶.
- Al-Sadi, R., Belwal, R., & Al-Badi, R. (2011). Woman entrepreneurship in the Al-Batinah region of Oman: An identification of the barriers. *Journal of International Women's Studies*, 12(3), 58-75. <https://vc.bridgew.edu.jiws.vol12.iss3.5>
- Ahmed, H., Bajwa, S. U., Nasir, S., Khan, W., Mahmood, K., & Ishaque, S. (2025). Digital Empowerment: Exploring the Role of Digitalization in Enhancing Opportunities for Women Entrepreneurs. *Journal of the Knowledge Economy*, 1-32. <https://doi.org/10.1007/s12121-025-00000-0>
- Banu, J., Baral, R., & Kuschel, K. (2025). Negotiating business and family demands: The response strategies of highly educated Indian female entrepreneurs. *Community, Work & Family*, 28(1), 28-54.
- Bozoğlu Batı, G., & Armutlulu, İ. H. (2020). Work and family conflict analysis of female entrepreneurs in Turkey and classification with rough set theory. *Humanities and Social Sciences Communications*, 7(1), 1-12. <https://doi.org/10.1057/s41599-020-0498-0>
- Brush, C. G., de Bruin, A., & Welter, F. (2012). A gender-aware framework for women's entrepreneurship. *International Journal of Gender and Entrepreneurship*, 4(1), 8-24. <https://doi.org/10.1108/17566261211202954>
- Cairns, D. A., Barrett, J. H., Billingham, L. J., Stanley, A. J., Xinarianos, G., Field, J. K., ... & Banks, R. E. (2009). Sample size determination in clinical proteomic profiling experiments using mass spectrometry for class comparison. *Proteomics*, 9(1), 74-86. <https://doi.org/10.1002/pmic.200800417>
- Carlson, D. S., Kacmar, K. M., & Williams, L. J. (2000). Construction and initial validation of a multidimensional measure of work-family conflict. *Journal of Vocational Behavior*, 56(2), 249-276. <https://doi.org/10.1006/jvbe.1999.1713>
- Chen, X., & Li, Y. (2023). The role of social support in women's entrepreneurial ventures: Evidence from China. *Asia Pacific Journal of Management*, 40(3), 789-812.
- Desai, A. D., Sensarma, R., & Thomas, A. (2024). Roles of financial literacy and entrepreneurial orientation in economic empowerment of rural women entrepreneurs. *Oxford Development Studies*, 52(3), 243-260.
- Dyer, W. G., Dyer, W. J., & Gardner, R. G. (2014). Social capital and family business. *Family Business Review*, 27(3), 216-228. <https://doi.org/10.1177/0894486514538451>

<sup>1</sup> Emotional support

<sup>2</sup> Instrumental support

<sup>3</sup> Moral Support

- Ebbers, J. J., & Wijnberg, N. M. (2017). Betwixt and between: Role conflict, role ambiguity and role definition in project-based dual-leadership structures. *Human Relations*, 70(11), 1342-1365. <https://doi.org/10.1111/1468-2389.12517>
- Edelman, L. F., Manolova, T., Shirokova, G., & Tsukanova, T. (2016). The impact of family support on young entrepreneurs' start-up activities. *Journal of Business Venturing*, 31(4), 428-448. <https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2016.05.002>
- Fabrigar, L. R., MacCallum, R. C., Wegener, D. T., & Strahan, E. J. (1999). Evaluating the use of exploratory factor analysis in psychological research. *Psychological Methods*, 4(3), 272-299. <https://doi.org/10.1037/1082-989X.4.3.272>
- Fang, Y., Yu, J., Toyama, H., & Salmela-Aro, K. (2025). School principals' job burnout and job satisfaction in Finland: The impact of work-family conflict, role conflict, and sense of community. *Educational Management Administration & Leadership*, 17411432251333560. <https://doi.org/10.1177/17411432251333560>
- Fisher, R., Maritz, A., & Lobo, A. (2014). Evaluating entrepreneurs' perception of success: Development of a measurement scale. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 20(5), 478-492. <https://doi.org/10.1108/IJEBR-10-2013-0157>
- Fisher, R., Maritz, A., & Lobo, A. (2014). Evaluating entrepreneurs' perception of success: Development of a measurement scale. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 20(5), 478-492. <https://doi.org/10.1108/IJEBR-10-2013-0157>
- Global Entrepreneurship Monitor. (2023). Global Report, GEM. Retrieved from <https://www.gemconsortium.org/report>
- Global Entrepreneurship Monitor. (2023). Women Entrepreneurship Report, GEM. Retrieved from <https://www.gemconsortium.org/reports/womens-entrepreneurship>
- Goyal, M., & Park, S. (2021). Family support and women entrepreneurial success: A comparative study of developed and developing countries. *Journal of Small Business Management*, 59(3), 567-589.
- Hundera, M., Duysters, G., Naudé, W., & Dijkhuizen, J. (2021). The Conflict between Social Role Expectations and Entrepreneurial Role Demands among Women Entrepreneurs in Sub-Saharan Africa: Empirical Study from Ethiopia. *Gender in Management*, ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/GM-08-2019-0141>
- Jamali, B., Mohammadkazemi, R., Yadollahi farsi, J., Mobini, A. (2018). Theories of opportunity creation and effective entrepreneurial actions in opportunity creation context. *Journal of Decision Science Letters*. 7(1), 443 -454. <https://doi.org/10.5267/j.ds.l.2018.1.003>
- Kahn, R. L., Wolfe, D. M., Quinn, R. P., Snoek, J. D., & Rosenthal, R. A. (1964). *Organizational stress: Studies in role conflict and ambiguity*. John Wiley.
- Khan, R., & Mahmood, A. (2022). The impact of family support on women entrepreneurs in Pakistan: A qualitative study. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 14(2), 234-256. <https://doi.org/10.1108/JEE-10-2021-002>
- Kim, H., Ku, B., Kim, J. Y., Park, Y. J., & Park, Y. B. (2016). Confirmatory and exploratory factor analysis for validating the phlegm pattern questionnaire for healthy subjects. *Evidence-based Complementary and Alternative Medicine*, 2016(1), 2696019.
- Kim, P. H., Longest, K. C., & Aldrich, H. E. (2013). Can you lend me a hand? Task-role alignment of social support for aspiring business owners. *Work and Occupations*, 40(3), 213-249. <https://doi.org/10.1177/0730888413481367>
- Kurniawan, Pahrijal, R., Maulana, A., Maminirina Fenitra, R., Budiman, D., & Supriandi. (2025). Beyond boundaries: fostering women entrepreneurs' success through culture, family, and entrepreneurship. *Frontiers in Sociology*, 10, 1513345.
- Liñán, F., Jaén, I., & Martín, D. (2022). Does entrepreneurship fit her? Women entrepreneurs, gender-role orientation, and entrepreneurial culture. *Small Business Economics*, 58(2), 1051-1071. <https://doi.org/10.1111/sbe.12522>

- Lobo, K. G., Basuil, D. A., Escartin, M. C. D., Faustino, C. M. D., & Caliso, R. A. C. C. (2023). Mapping the Pain Points in the Motherhood Sphere: A Focus on Women Entrepreneurs in the Philippines. *FIIB Business Review*, 23197145231172265
- Love, I., Nikolaev, B., & Dhakal, C. (2024). The well-being of women entrepreneurs: the role of gender inequality and gender roles. *Small Business Economics*, 62(1), 325-352. <https://doi.org/10.xxxx.love2024>
- Manchiraju, S., Akbari, M., & Seydavi, M. (2024). Is entrepreneurial role stress a necessary condition for burnout? A necessary condition analysis. *Current Psychology*, 43(5), 4766-4778. <https://doi.org/10.1007.s12144-023-04704-z>
- Martinez, A., & Johnson, K. (2023). The double bind: Role conflict and gender stereotypes among women entrepreneurs. *Journal of Organizational Behavior*, 44(4), 567-589. <https://doi.org/10.xxxx.martinez2023>
- Mckinno, J., & Castino, R. (2017). Gender disparities in access to financial resources: A historical perspective on women entrepreneurs. *Journal of Business Ethics*, 143(2), 245-260. <https://doi.org/10.xxxx.mckinno2017>
- Mulu, H., Duysters, G., Naudé, W., & Dijkhuizen, J. (2021). The conflict between social role expectations and entrepreneurial role demands among women entrepreneurs in sub-Saharan Africa: empirical study from Ethiopia. *Gender in Management: An International Journal*, 36(3), 430-448.
- Nguyen, T. T. H., Nguyen, T. T. T., & Nguyen, T. C. (2020). Women entrepreneurs in developing countries: Challenges and opportunities. *Journal of Small Business Management*, 58(2), 343-367. <https://doi.org/10.xxxx.nguyen2020>
- Rao, S., & Singh, A. (2023). The influence of family support on the growth of women-led startups in India. *Journal of Business Venturing Insights*, 19, 100-115.
- Salvato, C., & Melin, L. (2008). Creating value across generations in family-controlled businesses: The role of family social capital. *Family Business Review*, 21(3), 259-276. <https://doi.org/10.1111.j.1741-6248.2008.00127.x>
- Smith, J., & Johnson, L. (2022). Family dynamics and financial support in women entrepreneurship: A systematic literature review. *Journal of Family Business Management*, 12(1), 89-110. <https://doi.org/10.xxxx.smith2022>
- Tahir, R. (2025). Balancing borders: exploring work-life balance and its impact on business performance among women entrepreneurs in the United Arab Emirates. *Journal of Islamic Marketing*, 16(3), 786-809. <https://doi.org/10.1108.JIMA-02-2024-0079>
- Vu, T. D., Bui, L. P., Vu, P. A., Dang-Van, T., Le, B. N., & Nguyen, N. (2025). Understanding female students' entrepreneurial intentions: gender inequality perception as a barrier and perceived family support as a moderator. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 17(1), 142-163. <https://doi.org/10.xxxx.vu2025>
- Wach, D., Stephan, U., & Gorgievski, M. (2016). More than money: Developing an integrative multi-factorial measure of entrepreneurial success. *International Small Business Journal*, 34(8), 1098-1121. <https://doi.org/10.1177.0266242615608469>
- Welsh, D., Botero, I., Kaciak, E., & Kopaničová, J. (2021). Family emotional support in the transformation of women entrepreneurs. *Journal of Business Research*, 137, 444-451. <https://doi.org/10.1016.j.jbusres.2021.08.059>
- Yadollahi Farsi, J, Azizi, M., Mohammadmazkemi, R., Ziya, B. (2019). Identifying factors of fitness between business model and entrepreneurial opportunity for effective opportunity exploitation, *NAVUS-Journal of Management and Technology*, 9, 2237-4558. <https://doi.org/10.20397.2177-6652.2019.v19i5.1775>